

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۸، ویژه تاریخ اسلام

بررسی توصیفی روابط فرهنگی و اقتصادی مسلمانان و مسیحیان روستای فهره (استان لرستان)

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۱۰

تاریخ تأیید: ۹۸/۰۹/۲۰

مرتضی نصیری نیا*

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی توصیفی روابط فرهنگی و اقتصادی مسلمانان و مسیحیان روستای فهره (استان لرستان) می‌پردازد. در این پژوهش روابط فرهنگی و اقتصادی و میزان تعاملات و ارتباطات بین پیروان این دو دین الهی و آداب و رسوم اجتماعی آنان از قبیل مراسم مذهبی و دینی و دادوستد مالی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق در این مقاله مصاحبه‌ای بوده و برای مصاحبه با کسانی که در این زمینه اطلاعات کافی داشته‌اند به روستای فهره مراجعه شده و پس از هماهنگی‌های لازم، مصاحبه حضوری توسط نویسنده انجام گرفته است. در برخی موارد برای مطالعه تعاملات بین مسلمانان و مسیحیان به کتاب‌ها و در موارد فرهنگی و اقتصادی به مصاحبه رجوع شده است. از مهم‌ترین نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌توان به روابط عمیق و مسالمت‌آمیز مسیحیان و مسلمانان در روستا پرداخت که می‌توان به دادوستد مالی و شرکت در مراسم جشن عروسی یکدیگر پرداخت که در تاریخ اجتماعی روستا، دارای اهمیت می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: مسلمانان، مسیحیان، روابط فرهنگی، روابط اقتصادی، روستای فهره.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

یکی از مؤلفه‌های مهم در بخش اقتصاد و فرهنگ مهاجرت می‌باشد. اقوام و گروه‌ها برای تجارت و کارهای اقتصادی ناگزیر به مهاجرت می‌باشند و در اثر این مهاجرت‌هاست که مردم با آداب و رسوم و فرهنگ‌های یکدیگر آشنا می‌شوند و اقتصاد به جریان می‌افتد و مردم به راحتی می‌توانند با یکدیگر دادوستد کنند.

در روابط اقتصادی و فرهنگی مسلمانان و مسیحیان، مهاجرت آرامنه که بخشی از مسیحیت را تشکیل می‌دهند، در خاورمیانه زبانزد است. یکی از بارزترین وقایع تاریخی با شهرت و ارزش اقتصادی و فرهنگی آرامنه، مهاجرت هزاران خانوار از مسیحیان آرامنه از ارمنستان به اصفهان به دستور شاه‌عباس اول است. (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۸۷)

در این بخش، روابط اقتصادی و فرهنگی و شکوفایی آن که در اثر این مهاجرت و دادوستد بین مسیحیان و مسلمانان ایجاد شده است را مورد بررسی قرار خواهیم داد تا ابعادی از روابط مسلمانان و مسیحیان از جهت اقتصادی و فرهنگی مشخص گردد و در ادامه به آثار باقی‌مانده از مسیحیان روستا پرداخته می‌شود تا بتوان از طریق آثار به‌جامانده اطلاعاتی از سبک زندگی و نحوه ارتباط اقتصادی و فرهنگی مسلمانان و مسیحیان را به دست آورد.

شرکت در مراسم دینی

مسیحیان این منطقه، روابط خوب و مناسبی با مسلمانان داشتند. آن‌ها در مراسم مذهبی مسلمانان شرکت می‌کردند و به همراه آنان به عزاداری امام حسین علیه السلام می‌پرداختند. مسیحیان به‌صورت ویژه در مراسم عزاداری بر سرور سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شرکت می‌کردند. آنان پا به پای مسلمانان به عزاداری می‌پرداختند و بر امام حسین علیه السلام گریه می‌کردند. مسیحیان برای روزهای عزای اهل بیت و شهادت ائمه، ارزش و احترام ویژه‌ای قائل بودند به‌گونه‌ای که در این روزها، به‌خصوص روز تاسوعا و عاشورا از کار کردن و رفتن به سر زمین کشاورزی خودداری می‌کردند، حتی آب دادن زمین را رها می‌کردند و کسی از آنان به آبیاری مزارع مشغول نمی‌شد و از کار کردن در این روزها خودداری می‌کردند. مسیحیان در روز عاشورا در مراسم مذهبی از جمله تعزیه‌خوانی مسلمانان، شرکت و به عزاداری می‌پرداختند. مراسم تعزیه‌خوانی که در روستا تمام می‌شد، اهالی طبق آداب و رسوم هر کدام چیزی را به‌عنوان نذر و کمک به دستگاه امام حسین علیه السلام پرداخت می‌کردند مثلاً هر کدام از اهالی پنج من گندم یا بیشتر کمک می‌کردند. مسیحیان هم می‌گفتند: من هم کمک می‌دهم و مقداری هم او برای برپایی مجلس امام حسین علیه السلام کمک می‌کرد و افرادی که وضع مالی بهتری داشتند کمک بیشتری می‌دادند. علاوه بر شرکت مسیحیان در مجالس و محافل عزاداری مسلمانان در مساجد یا حسینیه‌ها، مسیحیان در روضه‌های خانگی هم شرکت می‌کردند. وقتی یکی از اهالی در خانه، روضه خانگی می‌گرفت، آن‌ها هم شرکت می‌کردند و احترام ویژه‌ای می‌گذاشتند. این حضور نه‌تنها در این روستا بلکه در روستاهای اطراف که آرامنه ساکن بودند نیز قابل مشاهده می‌باشد که مسیحیان پا به پای مسلمانان در این مراسم مذهبی و دینی مسلمانان شرکت می‌کنند که نشانگر تعاملات فرهنگی بین پیروان این دو دین بزرگ الهی می‌باشد (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۸۸-۸۷).

حضور علمای مسیحی در عزاداری مسلمانان

حضور مسیحیان در مراسم مذهبی مسلمانان فقط مختص به شهروندان و مردمان عادی نبوده بلکه کشیشان و علمای مسیحی و آرامنه نیز در این مراسم شرکت می‌کردند و همراه علمای مسلمان به عزاداری می‌پرداختند. علما و بزرگان مسیحی نیز برای این مراسم و عزاداری‌ها به‌خصوص عزاداری بر ابا عبدالله علیه السلام احترام خاصی قائل بودند، به‌ویژه در روز عاشورا که پایه‌پای بزرگان و در کنار علما و روحانیون به عزاداری می‌پرداختند که نمونه‌هایی از آن را می‌توان در کشور لبنان و مناطق مختلف ایران و حتی در مراسم ویژه اربعین در این سال‌ها مشاهده کرد. حضور با پای برهنه در مراسم پیاده‌روی اربعین و تشریف به حرم امام حسین علیه السلام بهترین دلیل بر روابط متقابل و مسالمت‌آمیز مسیحیان و مسلمانان و احترام ویژه پیروان این دو دین الهی به آداب و رسوم دینی یکدیگر می‌باشد (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۸۸-۸۹).

شرکت در جشن‌های عروسی

زمانی که مسیحیان جشن عروسی داشتند از مسلمانان و همسایگان مسلمان خود دعوت می‌کردند تا در جشن آن‌ها شرکت کنند و همسایه مسلمان نیز با روی خوش، دعوت او را می‌پذیرفت و در برنامه آن‌ها شرکت می‌کرد و بعد از صرف شام و شیرینی، همسایه مسلمان هدیه‌ای را که آماده کرده بود به آن‌ها می‌داد. مسیحیان نیز به همین صورت در جشن عروسی مسلمان‌ها شرکت می‌کردند و پس از خوردن شام و شیرینی طبق آنچه که در روستا رسم بود، هدیه خود را می‌دادند و به خانه خود می‌رفتند. این رفت‌وآمد و شرکت در مراسم یکدیگر و تعاملات آن‌ها نشان از روابط عمیق و دوستانه بین آن‌ها می‌باشد که مسلمان و مسیحی را در کنار یکدیگر قرار داده بود.

درباره ازدواج بین مسیحیان و مسلمانان نیز در روستا اطلاعات دقیقی به دست نیامد اما دور از ذهن نمی‌باشد که دختر مسیحی، اسلام می‌آورد و با پسر مسلمان ازدواج کند. نقل‌هایی در این مورد وجود داشته اما به خاطر محکم نبودن آن، ذکر شده است ولی کلیت

این حرف با موارد زیادی که در سرزمین‌های مختلف وجود داشته که دختر مسیحی، مسلمان شده و با پسر مسلمان ازدواج کرده است. این‌ها خود حکایت از ارتباط عمیق بین این دو دین الهی و مردمان آن می‌باشد. (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۸۹-۹۰)

شرکت در مراسم مردگان

اگر فرد مسلمانی از دنیا می‌رفت، مسیحیان به منزل او یا بستگان او می‌آمدند و به خانواده مصیبت‌دیده، احترام می‌کردند و با آنان همدردی می‌کردند و به خانه‌های خود می‌رفتند. اگر فرد مسیحی نیز از دنیا می‌رفت، مسلمانان در منزل او یا بستگان او حاضر می‌شدند و با آنان همدردی می‌کردند و به خانه‌های خود بازمی‌گشتند. در این موارد مسیحیان و مسلمانان به یکدیگر احترام می‌گذاشتند و جلوه‌ای از انسانیت و کرامت و تعاملات انسانی را به تصویر می‌کشیدند (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۹۰).

توسل بزرگان مسیحی به خاندان اهل بیت علیهم‌السلام

به نقل از اهالی روستا یکی از بزرگان مسیحی (ارامنه) مشکلی برایش پیش می‌آید یا برای فرزند او اتفاقی می‌افتد یا حاجت مهمی داشته است. در اثر تعامل و روابط دوستانه با مسلمانان روستا شنیده بود که در روستای (فرش) امامزاده‌ای وجود دارد که بنا بر نقل‌ها سه تن از نسل موسی بن جعفر علیهم‌السلام معروف به سه تن فرش در آنجا مدفون هستند و مردم برای حوایج خود به آن‌ها متوسل می‌شوند و نذورات خود را به آنجا می‌برند. فرد مسیحی، نذر می‌کند و حاجت او که برآورده می‌شود، هر ساله یک گوسفند نذری، به آن روستا جهت زیارت و قربانی کردن نذری خود، می‌رود. یک‌بار متولی امامزاده او را راه نمی‌دهد و می‌گوید فعلاً درب بسته است و امکان ورود شما به داخل امامزاده نیست. بنا بر نقل‌ها این فرد مسیحی به‌شدت، دلگیر می‌شود و همین‌که دست به قفل در امامزاده

می‌زند، قفل در باز می‌شود و به داخل امامزاده می‌رود و زیارت می‌کند و نذری خود را قربانی و در بین مردم پخش می‌کند و برمی‌گردد (صالحی، ۱۳۹۸، ص ۹۰-۹۱).

روابط دوستانه مسلمانان و مسیحیان

شغل مردم روستا کشاورزی بوده و مسیحیان (ارامنه) بیشتر به شغل کشاورزی اشتغال داشته‌اند. همین امر باعث دادوستد و ارتباط تنگاتنگ روزانه بین آنان می‌شد و به قدری روابط صمیمی و گرمی داشته‌اند که بنابر نقل مردم روستا، زمانی که فصل تابستان می‌رسید و مردم مشغول کار کشاورزی و درو کردن و خرمن بودند و از منزل برای افراد خانواده که در خرمن مشغول کار و فعالیت بودند، آب‌خنک و غذا می‌آوردند، همسایه مسیحی که در مجاورت آنان بر سر خرمن یا زمین کشاورزی خود مشغول به کار بود، برای رفع تشنگی خود از آب‌خنک و سردی که نزد همسایه مسلمان خود بود، استفاده می‌کرد و یا وقتی که روزها بر سر زمین مشغول کشاورزی بودند و از روستا برایشان ناهار می‌آوردند، همسایگان مسیحی و مسلمان با یکدیگر ناهار می‌خوردند یا در طول روز که خسته می‌شدند برای رفع خستگی با یکدیگر چای درست می‌کردند و رفع خستگی می‌کردند. همسایگان مسیحی (ارمنی) و مسلمان باهم می‌نشستند، صحبت می‌کردند و چای می‌خورند. بعد از اینکه خستگی همگان در می‌رفت، بلند می‌شدند و هرکسی مشغول کار خود می‌شد. این روابط و دوستی‌ها، هم‌نشینی‌ها و تعاملات بین مسلمانان و مسیحیان به تعبیر خود اهالی روابط بی‌نظیر بوده و قطعاً مهربانی و احترام متقابل بوده است که این‌گونه روابط دوستانه و متقابل را رقم می‌زند (مهدور، ۱۳۹۷، ص ۹۱).

آب و چشمه در فرهنگ مسیحیان (ارامنه)

آب در زمره آن عناصر طبیعی است که در حیات انسانی دارای نقش اساس و تعیین‌کننده و از عوامل حیاتی، اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود. نوشیدن آب به‌مثابه یک نیاز همیشگی جسمانی، ضامن بقای انسان است. نقش آب در امر نظافت و بهداشت

و امور اجتماعی و اقتصادی نقش فوق‌العاده حیاتی و مهمی است. به همین خاطر است که نخستین تمدن‌ها در حاشیه رودها و دریاچه‌ها به وجود آمده‌اند. مسیحیان (ارامنه) آب را مقدس دانسته و برای آن ارزش خاصی قائل بودند. همان‌طور که در میان دیگر ملل نیز آب‌ها و رودها، چشمه‌ها و دریاها دارای اهمیت می‌باشند. به‌عنوان مثال در ارمنستان مسیحی، هزاران چشمهٔ بزرگ و کوچک وجود دارد که از سوی ساکنان اطراف آن‌ها مقدس شمرده و دارای ویژگی‌های اعجاز گونه تلقی می‌شوند. مردم آب این چشمه‌ها را با فروختن شمع، خواندن دعا، زیارت کردن، قربانی دادن و به شیوه‌های دیگر تکریم و تقدیس می‌کنند. در اثر روابط نزدیک و دوستانه مسلمانان و مسیحیان این مسئله در روستا جاری بوده و هم‌اکنون نیز باور مردم به‌خصوص زنان بر این موضوع می‌باشد و این نوع باور و برخورد در اثر روابط مسالمت‌آمیز و ارتباط نزدیک مسلمانان و مسیحیان ساکن در روستا به وجود آمده است. در صورت اختلاف و تضاد نمی‌توان این همه نسبت به تحولات و فرهنگ و آداب اجتماعی یکدیگر آشنا و نزدیک بود و به آن احترام گذاشت. به همین جهت در روستا چندین چشمه وجود دارد که از زمان مسیحیان (ارامنه) مورد تقدس و پرستش قرار گرفته و در میان مردم روستا جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند از جمله اینکه مردم به‌خصوص زنان برای دعا و زیارت کردن این چشمه‌ها می‌رفتند و حتی شب‌های جمعه برای رفع مشکلاتشان در کنار این چشمه‌ها شمع روشن می‌کردند و در استفاده از آب آن، بسیار احتیاط می‌کردند و در هرجایی استفاده نمی‌کردند مثلاً در شستن لباس‌های کثیف یا حتی در پختن نان و درست کردن خمیر از آب آن استفاده نمی‌شد، چراکه قائل بودند اگر از آب این چشمه برای درست کردن خمیر استفاده شود، خمیر درست نمی‌شود و نان آن خراب می‌شود، این هم به خاطر اعتقاد، ارزش و قداستی بود که برای آب این چشمه‌ها قائل بودند و مسلمانان نیز برای احترام به این تفکر مسیحیان، نسبت به این چشمه‌ها این برخوردها را داشته‌اند (انصاری، ۱۳۹۸، ص ۹۲-۹۳).

طلب باران و حضور مسلمانان در این مراسم

مسیحیان به خصوص ارامنه نسبت به طلب باران اعتقاد ویژه‌ای داشتند و برای آن آیین خاصی را اجرا می‌کردند. یکی از مواردی که در اثر همزیستی و تعامل بین مسلمانان و مسیحیان در امور اجتماعی و فرهنگی وجود داشته، بحث طلب باران بود، آن‌هم به یک روش خاص در میان مسیحیان. کیش پرستش آب مختص به ارامنه بوده و در میان آن‌ها تجلی پیدا می‌کرد. کیش پرستش باران در میان مسیحیان (ارامنه) با اعمال نمادین همراه بوده است و برخی از نشانه‌های آن تا به امروز به حیات خود ادامه داده است. مراسم طلب باران به هنگام خشک‌سالی که در میان مسیحیان ارامنه معروف به (نورین)^۱ بوده، انجام می‌گرفته و در مناطق مختلف ارمنستان مسیحی به صورت‌های متفاوت و با خواندن شعرهایی که متن آن باهم تفاوت دارد، برگزار می‌شود. در روستا این مراسم به سبک خاصی برگزار می‌شد. در میان ارامنه مسیحی که در روستا ساکن بودند، در فصل بهار که فصل کشت و زرع بوده و باران نمی‌آمد، عده‌ای از آنان به خصوص نوجوانان جمع می‌شدند و زنگوله‌هایی را که به گردن حیوانات مخصوصاً بزها می‌انداختند را از گردن این حیوانات باز می‌کردند و شب‌ها میان کوچه‌های روستا حرکت می‌کردند و زنگوله‌ها را به صدا درمی‌آوردند و به درب هر خانه که می‌رسیدند این اشعار را می‌خواندند:

هَل هَل کوسه^۲ گرونه امر خدا بارونه گندم‌ها به زیر خاکن ز تشنگی هلاکن

به این معنا که کوسه‌ای که در آب است اگر بی‌آب شود و از تشنگی به هلاکت ییفتد خیلی سخت است ولی امر خدا به بارش باران تعلق خواهد گرفت چراکه گندم‌ها در زیرخاک‌اند و از تشنگی منتظر بارش باران. اهالی خانه‌ها نیز ظرفی پر از آب می‌کردند و از بالا روی سر آن‌ها می‌ریختند و یا شیرینی و خوراکی می‌آوردند و به آن‌ها می‌دادند تا به

۱. مراسم طلب باران.

۲. نوعی مراسم طلب باران.

مسیر خود ادامه دهند و به درب خانه دیگری بروند و معتقد بودند که خداوند به این کار نظر خواهد کرد و باران رحمت الهی می‌بارد. کیش پرستش باران و مراسم طلب باران در دوران بت‌پرستی و حتی پس‌از آن در عصر مسیحیت همچنان با برخی تغییرات به حیات خود ادامه داد. نکته قابل توجه این است که در هنگام اجرای این مراسم، مسلمانان نیز در برنامه آن‌ها شرکت می‌کردند و حتی مدت‌ها بعد از اینکه مسیحیان (ارامنه) از روستا کوچ کردند، این مراسم در بین مسلمانان ساکن در روستا مرسوم بوده است و این خود بیانگر روابط خوب و مسالمت‌آمیز مسیحیان و مسلمانان بوده است. (انصاری، ۱۳۹۸، ص ۹۳-۹۴)

چهارشنبه‌سوری یا درندر^۱

یکی از مشترکات مسلمانان و مسیحیان ارامنه که در روستا به آن می‌پرداختند مراسمی بود که در بین ایرانیان مسلمان معروف به چهارشنبه‌سوری و در میان ارامنه مسیحی معروف به درندر بود که در چهارشنبه آخر سال برگزار می‌گردد. البته مسیحیان (ارامنه) این مراسم را هر ساله در ماه فوریه برگزار می‌کنند. آن‌ها در اجرای این برنامه به این امید از روی آتش می‌پرند که دردها و بیماری‌های جسم و روح را به شعله‌ها بسپارند و از درد و بیماری دور و در امان باشند. (نوری زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۰۲)

مردمان روستا نیز در چهارشنبه‌های آخر سال برنامه چهارشنبه‌سوری داشتند. در این مراسم زن‌ها مقداری از موی خود را قیچی می‌کردند و رها می‌کردند تا نسیم و جریان باد آن را با خود ببرد و معتقد بودند با این کار غم و اندوه را تا سال دیگر به باد می‌دهیم تا با خود ببرد و از ما دور باشد و یا مانند مسیحیان ارمنی از روی شعله‌های آتش می‌پریدند و غم و اندوه را به شعله‌های آتش می‌دادند. (نوری زاده ۱۳۷۶، ص ۲۰۲)

۱. مراسم چهارشنبه‌سوری.

نکته قابل توجه این است که این نحوه اجرای مشترک مراسم نشان از تعامل و همزیستی مسلمانان و مسیحیان و حضور در برنامه‌ها و آیین‌های یکدیگر دارد و قطعاً در یک روستا که محدود بوده و جمعیت اندکی داشته است وقتی مسلمان و مسیحی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و از احوال یکدیگر باخبر هستند و آیین‌ها و مشترکاتی دارند در مراسم یکدیگر شرکت می‌کردند. (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۹۴-۹۵)

تأثیرپذیری معماری کلیسای مسیحیت از معماری اسلامی

کلیسای ارامنه در سرزمین‌های وسیعی که در طول تاریخ محل سکونت مسیحیان ارمنی بوده، پراکنده می‌باشند. نمونه‌هایی از آن‌ها در استان‌های ترکیه امروزی، آسیای صغیر، نخجوان و ایران به چشم می‌خورد. در بخش‌هایی از ایران به سبب حضور مردمان ارمنی، نمونه‌هایی از کلیسای ارمنی یافت می‌شود، چه در نواحی شمال شرق ایران که ارامنه مسیحی از دیرباز در آنجا زندگی می‌کردند و چه در مناطق دیگر که بعدها به آنجا کوچ داده شدند. کلیساها از معماری سرزمین‌های جدید تأثیر پذیرفته‌اند از جمله این کلیساها می‌توان به کلیسای جلفای اصفهان اشاره کرد که به سبب ویژگی‌های اقلیمی و سرزمینی و فنون معماری آن و حتی سازندگان آن و همچنین شرایط سیاسی آن روزگار، کالبدی متفاوت با اصل خود یافته و به بنای ایرانی و معماری اسلامی که در ایران و مردم مسلمان آن در معماری‌های خود بکار می‌بردند، شباهت نزدیک‌تری داشته است. (ملکیان، ۱۳۸۰، ص ۳۲)

به نقل از مردم روستا، مسیحیان ارامنه وقتی از جلفای اصفهان به این روستا آمدند و برای خود کلیسایی، ساخته بودند از جهت بنا و ساخت و معماری آن بسیار شبیه به ساخت‌ها و بناهایی بود که در روستا می‌ساختند با کمی تغییر و تحولات. این‌ها خود نشانگر تعاملات مسیحیان با مسلمانان هر منطقه و اثرپذیری آنان از فرهنگ مردم و ارتباط فرهنگی و اجتماعی این دو آیین بوده است. (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۹۵)

ایرانیان مسلمان و ارمنیان مسیحی از روزگاران دور تا به امروز، در کنار هم زندگی کرده و بر زبان و فرهنگ و سنت‌های یکدیگر اثر گذاشته‌اند. هیچ قوم و ملتی به اندازه ارمنیان با ایرانیان نزدیک نبوده چراکه زبان ارمنیان مسیحی با ایرانیان مسلمان بسیار نزدیک و زبان ارمنی یکی از زبان‌های مستقل آریائی است که با زبان فارسی پیوندی ناگسستنی دارد و این‌ها خود حاکی از ارتباط نزدیک و مشترکات زبانی و دینی و روابط خوب و دوستانه این دو آیین الهی دارد. (نوری زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۰۲)

حضور مسلمانان در کلیسا

همان‌طور که مسیحیان در مراسم عزاداری مسلمانان شرکت می‌کردند، مسیحیان مراسمی بنام گُلدرون^۱ داشتند که در کلیسا انجام می‌شد، این مراسم همان مراسم غسل تعمید بود که باید طبق آیین مسیحی در کلیسا انجام می‌شد و در بین مردم روستا به حلال کردن بچه و نوزاد معروف بود. مسیحیان از مسلمانان دعوت می‌کردند تا در این مراسم شرکت کنند. مسلمانان نیز می‌پذیرفتند و در این آیین مذهبی مسیحیان شرکت می‌کردند و از طرف مسیحیان نیز بسیار مورد احترام و پذیرایی قرار می‌گرفتند و بسیار خوشحال می‌شدند از اینکه همسایگان مسلمان در آیین مذهبی آنان شرکت کرده‌اند. (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۹۶)

روابط اقتصادی مسلمانان و مسیحیان

یکی از کارها و فعالیت‌هایی که مسیحیان و ارمنی‌ها به آن مشغول بوده و مهارت خاصی در این زمینه داشته‌اند، کشاورزی و باغداری بوده است.

۱. غسل تعمید.

به همین خاطر شاه‌عباس تعداد زیادی از مسیحیان ارامنه را به اصفهان کوچ داد و زمین‌های نزدیک رودخانه زاینده‌رود را به ارمنیان مسیحی داد تا مشغول کار کشاورزی شوند و باعث رونق اقتصادی و فعالیت کشاورزی در این منطقه شوند.

بر اساس بررسی‌ها و مطالعاتی که انجام گرفته مسیحیان روستای فه‌ره پس از پراکنده شدن مسیحیان در منطقه جلفای اصفهان و فریدن، آرام‌آرام به سمت روستا فه‌ره مهاجرت کردند و چون روستا از جهت آب و هوایی و زمین‌های حاصلخیزی که در آن می‌باشد، شرایط ویژه‌ای را برای باغداری و کشاورزی به وجود آورده بود، مسیحیان ارامنه با دیدن این روستا و شرایط مناسب آن، آنجا را برای اقامت و محل زندگی خود انتخاب کردند.

مسیحیان ارامنه در روستا مشغول به کار کشاورزی و باغداری می‌شوند و در کنار آن به کار دامداری و پرورش اسب مشغول می‌شوند به گونه‌ای که در اثر این فعالیت‌ها، روستا رونق بسیار زیادی از جهت کشاورزی و باغداری و حتی پرورش اسب پیدا می‌کند که در بین روستاهای اطراف و حتی روستاهای دوردست‌تر، روستایی اثرگذار و بااهمیت به شمار می‌آیند. (نصیری نیا، ۱۳۹۸، ص ۹۶)

خوش‌رفتاری شاه‌عباس با مسیحیان ارامنه

شاه‌عباس عاقبت‌اندیش، دریافته بود که بامحبت و روابط مسالمت‌آمیز بهتر می‌توان اراده خود را به کسی تحمیل کرد، از این رو پس از رسانیدن ارمنیان مسیحی به ایران و ساکن کردن آن‌ها در اصفهان با آنان خوش‌رفتاری کرد و امتیازهایی از قبیل آزادی مذهب برای آنان قائل شد و با توجه به مهارت آنان، زمین‌های کشاورزی را در اختیار آنان قرار داد و برای کسب‌وکار و فعالیت اقتصادی و حتی در ساختن خانه‌هایشان، آنان را یاری کرد. (هوویان، ۱۳۸۰، ص ۱۴)

آراکل مورخ می‌نویسد: «شخص شاه‌عباس با ارمنیان مسیحی بسیار مهربان بود و به آن‌ها احترام می‌گذاشت».

از آن زمان تاکنون به آزادی مذهب ارامنه مسیحی لطمه‌ای وارد نشده است که این خود یکی از عوامل مهم در روابط مسالمت‌آمیز مسیحیان و مسلمانان در ابعاد مختلف بوده است. بر اساس همین رویکرد بود که وقتی عده‌ای از ارامنه مسیحی اصفهان آرام‌آرام به سمت روستای فهره آمدند و مدتی را که با مسلمانان در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند، روابطی بسیار خوب و مسالمت‌آمیز با یکدیگر داشتند، احترام ویژه‌ای به همسایگان مسلمان خود می‌گذاشتند و به راحتی در کنار مسلمانان به کسب و کار مشغول بودند و دادوستد مالی با آنان داشتند. (نصیری نیا، ۱۳۹۸، ص ۹۰)

واگذاری تجارت ابریشم به مسیحیان

برخی از مسیحیان (ارامنه) که به جلفای اصفهان کوچ داده شدند، از آنجا به روستا آمده و ساکن شدند. برخی از آنان در جلفای اصفهان بازرگان بودند و در آن زمان تجارت ابریشم ایران در انحصار شاه صفوی بود. شاه‌عباس صدور ابریشم را به بازرگانان ارمنی واگذار کرد. شاه‌عباس برای صدور ابریشم ایران از بازرگانان ارمنی (مسیحی) استفاده می‌کرد چراکه ارمنیان جلفا در کار توسعه تجارت ابریشم نقش بسیار مهمی داشتند. از انبارهای مختلفی به بازرگانان ارمنی - مسیحی ابریشم داده می‌شد تا به هندوستان یا کشورهای اروپایی ببرند و پس از فروش بهای آن را به خزانه شاهی بپردازند. (هوویان، ۱۳۸۰، ص ۴)

به‌هرحال نقش بازرگانان مسیحی (ارامنه) را در گسترش تجارت ایران زمین نمی‌توان نادیده گرفت، از جمله تجارت‌خانه تومانیان، تجارت‌خانه معتبری بود که نه تنها در سراسر ایران بلکه در قفقاز، روسیه و کشورهای اروپایی نیز شعبه داشت. در اثر همین تجارت و دادوستد بود که روابط مسلمانان و مسیحیان روزبه‌روز بهتر می‌شد. (هوویان، ۱۳۸۰، ص ۱۴)

در شهرها و روستاها از جمله روستای فهره، این ارتباط وجود داشت. روستای فهره به خاطر

حضور مسیحیان (ارامنه) و ارتباطی که با بازرگانان جلفای اصفهان داشتند کالاها و وسایل موردنیاز خود را از این طریق به دست می‌آوردند و با مسیحیان جلفای اصفهان دادوستد مالی و ارتباط فراوانی داشتند و این خود باعث رونق اقتصادی در روستا و ایجاد کسب‌وکار و گسترش معاملات مسلمانان و مسیحیان شده بود. (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۹۷-۹۸)

مشارکت صنعت گران مسیحی (ارامنه) در توسعه شهری

اکثر مسیحیان (ارامنه) که اندک‌اندک با مهاجرت از شهرهای تبریز، سلماس و جلفای اصفهان به تهران آمده بودند و در محله‌ای ساکن شده بودند، صنعت‌گر بودند. در زمان روی کار آمدن سلسله قاجار و انتخاب شهر تهران به پایتختی ایران، گروهی از ارمنیان در نوسازی و توسعه شهر مشارکت داشتند. (هوویان، ۱۳۸۰، ص ۱۴) یکی از نویسندگان، آمدن ارمنیان به تهران را در دوره سلطنت فتحعلی شاه می‌داند و می‌نویسد: به دستور فتحعلی شاه قاجار ده تن شیشه‌گر از مسیحیان (ارامنه) جلفای اصفهان برای انداختن شیشه‌های قصر تازه‌ساز او به تهران آورده شدند و پس از چندی شیشه‌گران، خانواده‌های خود را از جلفای اصفهان به تهران آوردند و در محله دروازه شاه عبدالعظیم ساکن کردند. (هوویان، ۱۳۸۰، ص ۱۴)

حضور گسترده صنعت گران و بازرگانان مسیحی در ایران هم باعث رونق اقتصادی و دادوستد مالی شده بود و هم روابط مسلمانان و مسیحیان را ارتقاء بخشیده بود. نمونه این حضور و تعامل در روستا را می‌توان در قبرستان ارامنه مسیحی روستا مشاهده نمود که مسیحیان برای مردگان خود، سنگ‌های بزرگ را از شهرها و مناطق دیگر به روستا می‌آوردند و آن‌ها را برش می‌دادند و روی آن‌ها حجاری می‌کردند و مشخصات فرد را روی آن می‌نوشتند. تا قبل از ارامنه، مسلمانان ساکن در روستاهای هم‌جوار این کار را به خاطر کمبود امکانات و عدم دسترسی نمی‌کردند اما بعد از این با ورود صنعت گران و خطاطان به روستا، آن‌ها هم برای مردگان خود سنگ‌قبر می‌گذاشتند و روی آن

مشخصات مرده را حکاکی می‌کردند و این را می‌توان در سنگ‌های قبور اولیه مسلمانان مشاهده نمود که طرح ظاهری آن با سنگ قبور ارمنیان مسیحی بسیار شبیه و نزدیک به هم می‌باشند. همه این‌ها نشانگر تعامل مسیحیان و مسلمانان و در پی آن گسترش فعالیت‌های اقتصادی و تجاری بین آن‌ها بوده است.

توسعه کشاورزی

ارامنه و مسیحیان در استان گلستان، توتون کاران ماهری بودند که توتون کاری را رواج دادند. آنان از مسیحیان (ارامنه) ترابوزان ترکیه بودند. ماجرای مهاجرت آنان به گلستان چنین است؛ هنگامی که در ترکیه به قتل عام ارامنه مسیحی روی آورده بودند، آن‌هایی که جان سالم به دربرده بودند به روسیه گریختند و در آنجا مشغول کار کشاورزی شدند، بعد از آن به سمت ایران مهاجرت کرده و به شهرهای مختلف ایران روانه شدند تا جایی که خوش آب‌وهوا و مناسب برای کار کشاورزی انتخاب کنند و در آنجا مشغول به کار شوند. آن‌ها ابتدا به تبریز رفته و در آن شهر اقامت گزیدند و چند نفر را برای یافتن زمین و آب‌وهوای مساعد برای توتون کاری به استان‌های مختلف ایران فرستادند و سرانجام افرادی که به گرگان اعزام شده بودند، آن منطقه را برای توتون کاری مناسب یافتند. (هوویان، ۱۳۸۰، ص ۲۴)

دکتر هامبارتسوم مارکاریان - پزشک مسیحی - دندان‌پزشک مقیم گرگان بود و آنان را با مالک (قرق) منطقه‌ای در گرگان آشنا کرد. خانواده‌های مسیحی (ارمنی) در قرق ساکن شدند و به احیا و آبادی زمین‌های کشاورزی و توتون کاری پرداختند. دکتر مارکاریان سه حلقه چاه برای تأمین آب آشامیدنی ارمنیان قرق حفر کرد و وسایلی را که مورد نیاز کشاورزان بود، در اختیارشان قرار داد. مسیحیان توانستند با سعی و کوشش به پیشرفت کشاورزی و اقتصادی آن منطقه کمک رسانند. (هوویان، ۱۳۸۰، ص ۲۴-۲۵)

تمام این شواهد نشان از حضور در مناطق خوش آبوهوا و مناسب برای کار و کشاورزی در اکثر مناطق ایران دارد و روستای فهیره نیز یکی از این مناطق بوده است.

همان‌طور که گفته شد مسیحیان این روستا نیز وقتی از سمت فریدن و اصفهان به این روستا آمدند و شرایط مساعد و آبوهوای خوب روستا و زمین‌های حاصلخیز آن را دیده بودند، عده‌ای از آن‌ها در روستا ساکن می‌شوند و به کار کشاورزی و باغداری مشغول می‌شوند. بعدها که مسلمانان به روستا آمدند و با آنان زندگی می‌کردند، از تلاش بی‌وقفه و فعالیت آنان در امر کشاورزی که باعث رونق فعالیت کشاورزی در منطقه شده بود، سخن می‌گفتند و در زمینه کشاورزی، ارتباطات و دادوستدهای خوبی داشته‌اند. (کیانی، ۱۳۹۸، ص ۹۰)

دادوستد مالی بین مسیحیان و مسلمانان (قرض دادن)

اگر فرد مسلمانی تهی‌دست بود یا احتیاج مالی داشت و در آن زمان پول یا کالای موردنظر را نداشت و همسایه مسیحی او آن کالا یا پول موردنظر را داشت، این فرد مسلمان نزد همسایه مسیحی خود می‌رفت و از او درخواست کمک می‌کرد، فرد مسیحی هم اگر او را می‌شناخت و اعتماد کامل به او داشت، درخواست او را رد نمی‌کرد و پول یا آن کالا را به او می‌داد. اگر هم شناخت کاملی نداشت، به او می‌گفت اگر فلان شخص تأیید کند پول یا کالا را به شما می‌دهم. این برنامه دوطرفه بوده است یعنی اگر فرد مسیحی چیزی را لازم داشت و همسایه مسلمان او آن کالا را داشت، نزد او می‌رفت و از او کالای موردنظر را می‌گرفت. (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۹۴-۹۵)

به‌عنوان مثال در روستا مرسوم بوده که اهالی گوسفندها را به گله می‌فرستادند تا فردی که مسئول چرای گله بود آن‌ها را به چرا ببرد و مردم راحت‌تر به کار کشاورزی خود برسند. به نقل از اهالی یکی از آنان می‌گفت روزی خواستم گوسفندها را به گله ببرم، تعداد گوسفندان کم بود و شب قبل هم فردی مقداری گوسفند برای فروش به روستا آورده بود، در بین راه وقتی گوسفندان را به سمت گله می‌بردم یکی از اهالی مسیحی

(ارمنی) مرا دید و پرسید فلانی چرا گوسفندان کم هستند؟ چرا دیشب آن گوسفندان را که برای فروش آورده بودند، نخریدی؟ چون از قبل در فکر خرید تعدادی گوسفند بودم و به اهالی گفته بودم که اگر کسی گوسفند برای فروش داشت ما قصد خرید داریم. فرد مسلمان می‌گوید به او جواب دادم که پول‌هایمان کم بود، نتوانستم آن‌ها را بخرم، مسیحی جواب داد: آن‌ها را می‌خریدی، پولشان را ما می‌دادیم. این فرد مسلمان می‌گوید فرد مسیحی رفت و پولی را آورد و به من داد و گفت برو گوسفندان را بخر، بعدها پول من را پس بده. ایشان می‌گوید من گوسفندان را خریدم و پائیز مقداری از آن‌ها را فروختم، پول همسایه مسیحی را جور کرده و به او پس دادم. (شهبازی، ۱۳۹۸، ص ۹۵)

کمک‌های مالی

مسیحیانی که به جلفای اصفهان مهاجرت داده شدند و بعد از آنجا عده‌ای از آنان به سمت فریدن و روستاهای اطراف آن و به روستای فهره آمدند، اکثر آنان در کار تجارت و کشاورزی مشغول بوده و از جهت مالی وضعیت مناسبی داشتند. به نقل از اهالی و بزرگ‌ترها، عده‌ای از مسیحیان ساکن در روستا، دارای ثروت و مال فراوانی بوده و در ایامی که با مسلمانان در این روستا زندگی می‌کردند، هرگاه برای همسایه مسلمان خود مشکلی پیش می‌آمد یا احتیاج به چیزی داشت این فرد مسیحی کوتاهی نمی‌کرد و مشکل او را حل می‌کرد. اگر پولی احتیاج داشت به او پول می‌داد و مشکل مالی او را برطرف می‌نمود، اگر به وسیله‌ای احتیاج داشت که خود او داشت، دریغ نمی‌کرد و کار همسایه مسلمان خود را راه می‌انداخت. مسلمانانی که در روستا بودند نیز همین‌گونه عمل می‌کردند یا اگر از جهت مالی وضعیت خوبی هم نداشتند سعی می‌کردند به گونه‌ای دیگر جبران کنند و این روابط دوستانه در این حد بین مسیحیان و مسلمانان برقرار بوده است. (مهدور، ۱۳۹۷، ص ۹۸-۹۹)

آثار باقی مانده از آرامنه در روستا

تاریخ مهاجرت آرامنه به منطقه اصفهان و به دنبال آن فریدن و روستاهای الیگودرز به حدود ۳۶۰ سال قبل در زمان شاه عباس صفوی برمی گردد که از منطقه جلفای ارومیه و ارمنستان فعلی به این منطقه مهاجرت کرده و صنعت گران آنان عموماً ساکن اصفهان بودند. البته در آن زمان منطقه جلفای اصفهان از حومه شهر بیرون بود و بعدها با ساخت و ساز و توسعه شهری به شهر متصل گردید.

بخشی از آرامنه نیز در منطقه فریدن از توابع استان اصفهان و روستاهای دیگری از جمله سنگ باران، خیگان علیا و سفلی از روستاهای اصفهان و ازنا اوله که از روستاهای الیگودرز و در نزدیکی روستای فهیره می باشند، ساکن شدند.

آرامنه ساکن در این مناطق تا زمان انقلاب در این مناطق به خصوص در فریدن بودند. هنوز در مناطق و روستاهای فریدن، آرامنه ساکن می باشند و دادوستد خوب و زیادی هم با مردم فهیره در زمان های گذشته و هم اکنون دارند.

آرامنه روستای فهیره تا حدود ۶۰ سال پیش در روستا ساکن بودند و بعد آن روستا را ترک کردند. عده ای به تهران و عده ای به ارمنستان بازگشتند. (نصیری نیا، ۱۳۹۸، ص ۹۹)

البته در مدت این چند سال و یک دهه اخیر نیز آرامنه به روستای فهیره می آمدند و یک روزی در روستا می ماندند و به دیدار قبرستان های اقوام و نزدیکان خود می رفتند و با مردم روستا دیدار و گفتگو می کردند. در ادامه به محله و خانه هایی که از آنان باقیمانده بود، می رفتند و خاطرات خود را مرور می کردند. (نصیری نیا، ۱۳۹۸، ص ۹۹-۱۰۰)

آثاری که از آرامنه باقیمانده بود و می توان به آن اشاره کرد عبارت اند از:

باغ‌ها

مسیحیان بیشتر مشغول به کار کشاورزی و باغداری بوده‌اند و با مهاجرت به این روستا و شرایط مناسب آن، مشغول به کشاورزی و باغداری شدند و باغات بزرگ و خوبی را در این روستا ایجاد کردند. یکی از این باغ‌ها که در نزدیکی روستا بوده است، متعلق به پیرزنی مسیحی به نام (اوها) بود که بیشتر روزها را در آن به کار و فعالیت مشغول بود. به نقل از مردم روستا وقتی که میوه‌های این باغ می‌رسید، همسایگان و زنان مسلمان یا نوجوانان را صدا می‌کرد و از میوه‌های باغ به آن‌ها می‌داد تا ببرند و در خانه خود از آن استفاده کنند. این کار علاوه بر ایجاد محبت و دوستی باعث ارتباطات فراوان بین مسلمانان و مسیحیان می‌شد و از جهت اقتصادی نیز کمک فراوانی را به مردم روستا می‌کرد و آنان را از جهت تأمین نیازهای زندگی و دسترسی به آن‌ها بی‌نیاز می‌کرد. باغ‌هایی توسط آرامنه احداث شده است و هنوز موجود می‌باشند. (نصیری نیا، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰) با توجه به آنکه شغل اکثر آرامنه ساکن در روستای فهره، کشاورزی بود و اکثر آنان به باغداری مشغول و علاقه خاصی به کشاورزی داشتند و در اطراف روستا، باغ‌های بزرگی را ایجاد کرده بودند.

روستا از جهت موقعیت جغرافیایی روی چند تپه موازی باهم قرار گرفته است و اطراف روستا را تپه‌های فراوانی در بر گرفته که دره‌های آن به روستا ختم می‌شوند یکی از این دره‌ها که به روستا ختم می‌شود و اطراف آن را دره‌های بزرگی فرا گرفته و در ورودی روستا قرار دارد، دره باغ‌ها نام دارد.

علت این نام‌گذاری این دره به خاطر آن بود که آرامنه تمام این دره و تپه‌های آن را تبدیل به باغ کرده و درختان میوه‌^۱ فراوانی را در آن کاشته بودند و اسم آن را هم دره باغ‌ها گذاشته بودند. هم‌اکنون نیز به این اسم معروف است.

باغ بزرگ و زیبای دیگری را در بین روستا ایجاد کرده بودند که هم‌اکنون محل آن باغ تبدیل به مسجد و نانوائی شده. درواقع جایگاه فعلی مسجد و نانوائی که در مرکز

روستا می‌باشند، در زمان آرامنه، زمینی در کنار خانه‌هایشان بوده که تبدیل به باغ می‌شود و یکی از باغ‌های مهم آرامنه به شمار می‌رفت.

در این باغ فندق هم دیده بودیم. برای اولین بار توسط آرامنه در روستا کاشته شده بود و باغ‌های دیگری که در اطراف خانه‌هایشان ایجاد کرده بودند و بعضی از آثار آن باغ‌ها موجود و بعضی هم کاملاً از بین رفته‌اند. (نصیری نیا، ۱۳۹۸، ص ۱۰۱-۱۰۰)

خانه‌ها

آرامنه در روستا خانه‌های خود را بر روی تپه و مکان فعلی روستا ساخته بودند.

درواقع محدوده میدان روستا و تعداد خانه‌های آنان به حدود ۲۰ خانه می‌رسید. اطراف خانه‌ها را که زمین خالی بود و آب فراوان نیز در دسترس بود، تبدیل به باغ کرده بودند. خانه‌های آرامنه متأثر از معماری مردم و روستاهای اطراف بود. خانه‌های را با گل و مهره درست می‌کردند و سقف خانه‌ها را با تیرهای چوبی و شاخه‌های درختان می‌پوشانیدند.

تا چند سال پیش هنوز بیشتر خانه‌هایی که به وسیله آرامنه ساخته شده بود و قدمتی بیش از ۸۰ سال داشتند، در روستا موجود و قابل مشاهده بود ولی کم‌کم آن‌ها یا خراب شدند یا مسلمانانی که آن‌ها را از آرامنه خریداری کرده بودند و مالک آن‌ها شده بودند، آن‌ها را تخریب و بازسازی کردند. (آبکار، ۱۳۹۸، ص ۱۰۱-۱۰۲)

کلیسا

مسیحیان در روستا دو کلیسا داشتند. یک کلیسای کوچک که تمثال مبارک حضرت مریم(س) که کودک خود - حضرت عیسی علیه السلام - را در آغوش کشیده بود و بر روی سنگی حکاکی و بر سینه دیوار نصب شده بود. کلیسای بزرگ آن‌ها بر روی بلندی تپه‌ای در ورودی روستا قرار داشت و هم‌اکنون مدرسه فعلی روستا بر روی آن ساخته شده است. درباره کلیسای مسیحیان (آرامنه) در روستا بیش از این اطلاعاتی نیست و شاید اشیاء و

سنگ‌های حکاکی شده^۱ تمثال حضرت مریم و علامت‌ها و نمادهای صلیبی در زیر همین تپه و محل کلیسا باشد که احتیاج به تحقیق جداگانه‌ای دارد. (نصیری نیا، ۱۳۹۸، ص ۱۰۲) این موضوع به تحقیقات میراث فرهنگی و باستان‌شناسی مرتبط می‌باشد.

گورستان ارامنه

بررسی گور نگارهای گورستان‌های ارامنه در شهرستان الیگودرز به‌خصوص روستای فهره، نشان می‌دهد که علاوه بر صلیب، گل شش پر نوک‌تیز، سنگ‌های نتراشیده و نامنظم و طرح‌های گیاهی، وجود دارد.

در این گور نگارها علاوه بر نقش‌های یادشده به نقش‌هایی برمی‌خوریم که در نواحی شمال غرب ایران و سرزمین مادری ارمنیان (ارمنستان غربی، شرق ترکیه) نیز دیده نمی‌شود.

این نقش‌ها از نظر مطالعات فرهنگی و انسان‌شناسی قابل توجه است. نقش‌های گور نگارها در روستای فهره شامل صلیب می‌باشد که نشان دین و اعتقاد شخص متوفی و معرف تعلق او به جامعه مسیحیت است. همچنین از نقش‌های حجاری‌شده بر روی این گورها چنین می‌توان نتیجه گرفت که این نقش‌ها بازتابی از زندگی افراد و صاحبان گورهاست. (بهرامی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۲-۱۰۳)

طرح موضوعات مربوط به زندگی در گور نگارهای طوایف لر نیز دیده می‌شود. گور نگارهایی که موضوعات واقعی مربوط به زندگی روزمره در آنان به تصویر کشیده شده، در میان طوایف لر پیشینه‌ای طولانی دارد. با ورود ارمنیان به این نواحی و اقبالشان به این گور نگارها و اقتباس از آن‌ها این شیوه حجاری روی سنگ گور به نواحی وسیع‌تری گسترش یافت به‌گونه‌ای که این موارد را به‌وضوح در روستای فهره و در سنگ گورهای ارامنه می‌توان مشاهده کرد. این اقتباس از موضوعات مربوط به زندگی روزمره در گور نگارها در الیگودرز و روستاهای آن پررنگ‌تر بود و بخش جدایی‌ناپذیری از گور نگارها به حساب می‌آید.

مساحت گورستان و انواع سنگ قبرها

گورستان آرامنه روستای فهیره بر روی تپه‌ای در مجاورت روستا و در کنار دره‌ای معروف (به دره ده) قرار دارد و دارای مساحتی حدود ۱۵۰×۱۰۰ متر است و درشیب ملایم تپه قرار دارد.

پیشینه این گورستان با استناد به تاریخ‌های حکاکی شده بر روی گورها حداقل به ۱۵۰ الی ۲۰۰ سال قبل برمی‌گردد.

اهمیت این گورستان به دلیل نگاره‌های حکاکی شده بر روی سنگ گورستان است. از نظر مطالعات باستان‌شناسی و انسان‌شناسی و بررسی زندگی روزمره افراد متوفی در زمان حیات او اهمیت دارد. (بهرامی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۳)

تعداد گورها در این گورستان به بیش از ۱۰۰ عدد می‌رسد. اکثر سنگ گورهای حکاکی شده متعلق به زنان و مردان است و برای کودکان و اطفال از سنگ گورهای ساده، تراش نخورده و کوچک استفاده شده است.

سنگ گورهای موجود در این گورستان به چند دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول: سنگ‌های فاقد تراش و نامنظم که بر روی این دسته از سنگ گورها هیچ‌گونه نوشته‌ای وجود ندارد و سنگ‌ها را به همان شکلی که از معدن آورده‌اند، بر روی محل دفن قرار داده‌اند. این دسته از سنگ گورها بیشتر برای گور کودکان استفاده شده است.

دسته دوم: سنگ گورهای بدون تراش و دارای شکل‌های نامنظم که بر روی این سنگ گورها تنها نقش صلیب به صورت کنده‌کاری برای مشخص کردن دین صاحب گور ایجاد شده است.

دسته سوم: سنگ گورهای دارای تراش منظم و شکل هندسی یا مستطیلی هستند. این دسته از سنگ گورها در بخش بالای سر یعنی محل سر متوفی دارای نقش صلیب به شکل کنده کاری شده یا نقش برجسته می‌باشند.

دسته چهارم: مهم‌ترین سنگ گورها می‌باشند و شامل گورهایی دارای نوشته به زبان ارمنی هستند. این دسته از سنگ گورها در واقع از پرکارترین سنگ گورها از نظر کنده کاری محسوب می‌شوند و از نظر هنری و مفاهیم اساطیری دینی و انسان‌شناختی مطرح شده در آنان نیز قابل توجه هستند. بیشتر سنگ گورهای گورستان در این دسته جای می‌گیرند. دارای سنگ‌نوشته‌ها به خط و زبان ارمنی هستند و در آن متوفی معرفی و سال تولد و وفات وی ذکر شده است.

ضخامت این سنگ گورها متفاوت است. بعضی از آن‌ها به ۱۵ سانتیمتر و حتی بیشتر از آن هم می‌رسد. بعضی دیگر کمتر از این می‌باشند. طول گورها نیز متفاوت است، بعضی بزرگ‌تر می‌باشند که به حدود یک متر و نیم می‌رسند و بعضی کوچک‌تر و حتی بعضی به نیم متر هم می‌رسند. عرض سنگ گورها نیز بین ۱۵ تا ۲۰ سانتی‌متر متفاوت است.

ضخامت این سنگ‌ها و حجاری آن‌ها حکایت از هنر و توجه آرامنه به مسائل حجاری و هنری را نشان می‌دهد، مخصوصاً با توجه به اشکال و گل‌های چند پر و نمادهایی که بر روی این سنگ گورها حجاری شده است. (بهرامی، ۱۳۹۸، ص ۱۰۴-۱۰۵)

نتیجه‌گیری

با توجه به ضرورت و اهمیت روابط مسلمانان و مسیحیان و تبیین این موضوع، پس از بررسی روابط مسلمانان و مسیحیان در نقاط مختلف بخصوص مناطقی که مسیحیان و مسلمانان مدت مشخصی را در آنجا زندگی کرده و روابط مسالمت آمیزی داشته‌اند به خوبی می‌توان عمق روابط بین این دو دین الهی را دریافت.

پس از بررسی روابط مسلمانان و مسیحیان در روستای فه‌ره در ابعاد مختلف فرهنگی و اقتصادی مشخص شد مسلمانان و مسیحیان سالهای زیادی را در کنار یکدیگر زندگی مسالمت آمیز داشته و روابط اقتصادی و فرهنگی عمیقی با یکدیگر در سطح روستا داشته‌اند.

و این روابط به گونه‌ای بوده است که در بعد فرهنگی در مراسمات یکدیگر شرکت و احترام متقابل به آیین و فرهنگ یکدیگر می‌گذاشتند.

در بعد اقتصادی نیز روابط بسیار خوبی داشته و همیشه کمک حال یکدیگر بوده‌اند.

بنابراین آنچه را که می‌توان نتیجه گرفت این که روستاها و شهرهای زیادی در ایران وجود دارند که مانند روستای فه‌ره مسلمانان و مسیحیان در کنار یکدیگر به صورت مسالمت آمیز زندگی می‌کردند یا هم اکنون در حال زندگی کردن می‌باشند که با جمع آوری این اسناد و اطلاعات می‌توان کمک فراوانی به روابط مسالمت آمیز و دوستانه پیروان این دو دین بزرگ الهی انجام داد و روابط را بیش از گذشته تقویت نمود و از تنش و جدایی بین پیروان این دو دین الهی جلوگیری نمود و با تکیه بر اشتراکات فرهنگی و اجتماعی می‌توان روابط پیروان این دو دین بزرگ را بیشتر کرد و روابط اقتصادی و اجتماعی را تقویت نمود و از ظرفیت‌های بیرون آمده از دل این روابط مسالمت آمیز در جهت اتحاد و پیشرفت استفاده فراوان برد.

فهرست منابع

۱. بهرامی، بابک (۳۱/۲/۹۸)، متن پیاده شده مصاحبه.
۲. نوری زاده، احمد (۱۳۷۶)، تاریخ و فرهنگ ارمنستان، چاپ اول.
۳. هوویان، آندرانیک (۱۳۸۰)، ارمنیان ایران، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، هرمس، چاپ اول.
۴. مهدور، نجف قلی (۱۲/۱/۹۷)، متن پیاده شده مصاحبه.
۵. انصاری، امید (۳۰/۵/۹۸)، متن پیاده شده مصاحبه.
۶. شهبازی، علی (۱۹/۶/۹۸)، متن پیاده شده مصاحبه.
۷. صالحی، سید ولی (۹/۶/۹۸)، متن پیاده شده مصاحبه.
۸. آبکار، کیامرث (۱۰/۱۰/۹۸)، متن پیاده شده مصاحبه.
۹. کیانی، منوچهر (۲۳/۱۰/۹۸)، متن پیاده شده مصاحبه.
۱۰. نصیری نیا، صفر (۲۶/۱۱/۹۸)، متن پیاده شده مصاحبه.

